

شماره هشتاد و پنجشنبه ۲ جوزا ۱۳۴۷ - ۲۴ می ۶۸

پیوند جنبش‌های رنجبران

مظاهرات بر ضد فرهنگ

ملکی و نیمه استعماری

در چند روز اخیر متعلمین مکاتب تکنیک میخانیک، اداره عامه و نرسنگ به عنوان اعتراض علیه فرهنگ سرزنشگر سیده نیمه استعماری و قوانین و مقررات مستکمرانه تعلیمی دست به مظاهرات می‌زنند و به افشای ماهیت ارتجاعی معارف تزون و سطلایی می‌پردازند.

به اساس گزارش خبیر نگار مامقانات مسئول وزارت معارف تاکنون میگردند پاسخ مقتضی به سطلالیات منطقی و بجای این شاگردان نداده و در نتیجه روز ۳۱ نور بعد از آنکه عده‌ای از متعلمین مکتب میخانیک توسط عمال ارتجاع با پشتیبانی پولیس شهید عده زیادی مجروح گردیدند. شاگردان مکاتب میخانیک نرسنگ صنایع مدارالمعلمین ها اداره عامه با عده از محصلین پوهنتون پاولوله و شور عمیقی در خیابانهای شهر علیه ظلم و فشار بیرحمانه و وحشیگری دستگاه حاکمه فاسد و ارتجاعی سخن رانی‌ها کردند و شعار هاداند پولیس باوص مقاومت بی‌حد و حصر خوشی بالاخره نتوانست در اراده شکست ناپذیر این جوانان با شهادت وطن پرست خلیل وارد کند و ایشان را از تظاهرات بازدارد این مظاهرات که از پنجشنبه ۸ صبح الی شام در خیابانهای شهر کابل ادامه داشت در اخیر شاگردان مکاتب در حالیکه از پشتیبانی عمیق کارگران و سایر توده‌های محروم مردم برخوردار بودند فیصله کردند.

۱- تا آخرین لحظه اینکه ارباب اقتدار در برابر خواسته های معقول شان سر فرود آرند بمظاهرات خود ادامه بدهند.

۲- چون پولیس و یک عده عناصر ارتجاعی تشدد و قساوت قلب را از حد گذرانده که موجب شهادت جراحت عده از همراهان مارافراهم آورده لذا شاگردان این مکاتب با سایر همراهان خود خاطر این روز را سالانه مانند روز تاریخی (سوم عقرب) تجلیل کنند.

۳- شاگردان در ضمن سخنرانی های خود ماهیت عمال و آستان بوسان ارتجاع را مفصلا تشریح کردند و تصمیم گرفتند از آنجا که این عمال خائن لودی های کوکی مبارزه اصولی توده را بگمراهی می‌برند لذا مبارزه علیه ایشان در درجه نخست اهمیت قرار دارد و ما تاخیر علیه این داور دسته ببر رنگ و قماش که ظاهر شوند به مبارزه خود ادامه خواهیم داد.

شعله جاوید که همیشه از یکباره های رزم انگیز تسوده ها و دانشمندان پیوسته به توده با کمال شهادت و رسالت تاریخی پشتیبانی کرده است در هر گرم برقرمانان این جنبش ها می‌فرستد.

در چند روز اخیر جنبش های نوکلاری زحمتکشان و دانشمندان و دانشمندان و بیگانه های هستی دستگاه حاکمیت در دوران فرهنگ ارتجاعی و همه دشمنان خلق را به لرزه در آورده است.

این جنبش های ظان و نوکلاری همانند کوه های کوه و گروه ها و مجامع ارتجاعی وابسته بانامیر یانیزم و پروان مافکین استعمار نوین را هر استاک ساخته و در کناره پرتو مابوهی قرار داده، در لانه فرزندانی واقعی خلق، عناصر مترقی و پیشرو پرست سرافرازی یک مرحله نوین و طلیعه یاد دوران تازه در کشور با دست و پا های کمجوتی عده آن پیکار های راهی بخشی زحمتکشان و از هم گسستن رنجبران های اسارت است و دورانی که طایفه داری مپاژده ان رسالت تاریخی پر افتخار رنجبران میباشد مارش نبرد انگیز رنجبران قران های شمالی کشور که در اراده الهه دستگاه حاکمه و توطئه نری دوستان دروغین خلق اونیوم را بر گردانیده شد، تظاهرات پیکار رنجبران در کابل و ولایت های، اعتصابات و مظاهرات شور

ارواح نوین مبارزات زحمتکشان

در کشور های امپریالیستی

در هفته که گذشت، جهان امپریالیستی دستخوش خشم بنیان گین، طوفان مبارزات تسوده های ستمکش بر ضد امپریالیسم بود. خطرات محصلین پیشرو پاریس بهفته دوم خود وارد شد، و سرانجام به با رزق خونین آنها باقی بیست محصلین و پولیس کابل شد. محصلین پیکار جوی پوهنتون سور بن پاریس با شجاعت بی نظیری با وحشیگری های پولیس از تراج فرانسه مقابل نموده و در فتن های سرخ مبارزه را بر سران کالج پوهنتون سور بن پاریس بر افراشتند. بدنیال این رویاها، تمام اتحادیه های کارگری فرانسه هم بستگی خود را با محصلین رزمنده ابراز داشته و به اعتصاب بی حد و چهار ساعت در پشتیبانی از ایشان دست زدند، شب فردای اعتصاب مطلقا هر ات عظیم پاریس گت همست شد هزار نفر کارگر محصل در پاریس صورت گرفت و لرزه بر اندام فرعون امپریالیسم فرانسه انداخت. به تاسی از کارگران و محصلین پاریس، دوج مظالم و اعتصابات سر تاسر شهر های فرانسه را فرا گرفت، در اوایل این هفته، کارگران راه آهن، پست و تلگراف و کارگران فرانس در برابست گرفتند، کارگران راه آهن، پست و تلگراف و کارگران رادیو و تلویزیون پاریس به اعتصاب عمومی سر تاسر کشوری دست زدند. مدل و نقل در تمام فرانسه فلج شد، در طول تاریخ ملت فرانسه این چنین هم بستگی نزدیک و پیکار جوی محصلین و کارگران بینظیر است، بدقیقین استعمار نوین و گدی های کوکی فرا نسوی شان میخواهند ستمند از شدت و خصم انگیزی این یکسار عظیم با اشکال مختلف جلو گیرند، ولی سبیل خور شان مبارزه این جسور خا شاک های تاجیز را بسرعیت بدور افگند پاریس فرانسه نیز هموائی و پیوند خود را با مظاهره چیان ابراز داشته است.

پایهای مبارزات محصلین فرانسه محصلین اسپانیا، در مادرید دست مطلقا هر ات عظیمی زدند، در زده خود های که بیان محصلین و پولیس ارتجاع اسپانیا نیز رویداد، عده زیاد محصلین زخمی شدند.

در همین هفته محصلین ایتالیا در شهر روم مظاهرات بزرگی بر ضد نظام فرعون امپریالیستی بر افراشتند که آنهم بزرگ خورد های محصلین و پولیس ارتجاعی ایتالیا انجامید.

هم چنان در همین هفته، محصلین پیشرو در بیرو (هریکه لاتین) ضمن پیکار با پولیس و سکر ارتجاعی و بل راننجبر کردند، در جریان این مبارزات یک محصل کشته و در نفر دیگر زخمی شدند.

انگیز متعلمین مکاتب تکنیک، اداره عامه، میخانیک و صنایع و نرسنگ بر ضد فرهنگ پوسیدگان و نیمه استعماری و مریک نظیری است از طرف و کمال آگاهی سیاسی زحمتکشان و روشنفکران پیشرو، نظیری است از تپلی اراده مردم، نظیری است از توفان خشم توده ها نسبت به نظام فرعون اقتصادی، اجتماعی و انکون روشنفکران پیشرو و زحمتکشان کشور ما با پرستی دولت کرده اند که چیزی را تکیه بر تیره شکست ناپذیر خوش و جز توفان به مبارزه قاطع همه جانبه و بی ادان و جز از هم پاشیدن نظام مستعمراتی اجتماعی فاسد و سست و پوسیده و پستی پنداری است که فراموش و نا استوار است. اکنون مبارزات و راهی بخشی دانشمندان و زحمتکشان و دانشمندان هم به اوج نوینی رسیده و تانیرات متقابل آن بیانات در آمیختن این دو جریان کبیر و شکوفان است.

رنجبران این پیشروان اجتماعات پیکار جوی چشمی دانشمندان پیشرو و انقلابیون، در اولین راه بردستی از هم باز شناخته اند و دانشمندان مترقی به این مساله ایمان عمیق پیدا کرده اند که هیچ جنبش بدون اینکه اهرم رهبری آن در دست و رنجبران باشد، به پیروزی نمی‌رسد.

همین اکنون که رنجبران بسیاری از کشور های امپریالیستی برای رهایی از ستم سرمایه دست به مبارزات خونین زده و پیروزی هایی بدست آورده اند روشنفکران مترقی در سراسر جهان در آمیختن با توده های یگانه هیار نبات و پاپوهری می‌دانند رنجبران کشور ما نیز دانسته اند که به پناه بودن به «خانه مردم» و تقسیم عریضه و عساکر قطعه نامه نمی‌توان رنجبر استعمار و بیادگری طبقاتی را از هم گسیخت و روشنفکران آگاه و پیشرو افغانستان خود را هم با هم و هر زم جدایی ناپذیر و رنجبران این سیلاب، بر توان هر آن نیرو خواهد کرد.

سیمای راه رشد غیر سرمایه داری در کشورهای عربی

دکتر هادی محمودی

سازشکایان معاصر، این دوستان دروغین خلق، راه رشد به اصطلاح غیر سرمایه داری را اینجا که در کشورهای عربی سوخته، چپ‌پوریت عربی متحد، الجزایر و عراق تحقق یافته، چون نمونه بر چسبته و سر مشقی برای سایر کشورهای آسیایی، افریقایی و آمریکای لاتین، پیش می‌کشند. ولی آیا واقعاً کشورهای مذکور غیر سرمایه داری اند؟

چینش نجات بخش ملی ضد استعماری پس از جنگ جهانی دوم با سرعت چون آذر خنس جهان عربی را فرا گرفت. خلق سوریه در سال ۱۹۴۶، خلق مصر در سال ۱۹۵۲، خلق عراق در سال ۱۹۵۸ و خلق الجزایر در سال ۱۹۶۲ یکی پس از دیگری زنجیرهای استعمار کهنه و حاکمیت داخلی آنرا از عم کسندند. چینش ضد استعماری و آزادی بخش خلقی های نامبرده همه در راه یک خصصت مشترک اند و آن اینکه تحت رهبری طبقه متوسط و یا فشر فو قانی آن به پیروزی رسیده. بطور نمونه الجزایر را در نظر گیریم. خلق الجزایر در اکتوبر سال ۱۹۵۴ در قفس پیکار مسلحانه ملی ضد استعماری را بر افراشت. پیشروان الجزایری یعنی نمایندگان منافع رنجبران الجزایر، در آنوقت در آنسرفوذ اندیشه های زهر آلود آفرین سازشکاری و... در سنوف شدن نتوانستند در مقدم ترین صف پیکار مسلحانه ملی قرار گیرند (آنچنانکه امر و ز در وینتام، پیش آفتک رنجبران، رهبری میا زرات مسلحانه ملی ضد امپریالیست های امریکائی را بدوش دارد) حتی بر کسی از آنها باقراتر نپایه نمه مخالفت سر داده ولی از آنجا نیکه رو نه تاریخ سد ناپذیر بوده و اراده پیکار جوی بی خاسته را نمیتوان با حرافی ها، پوچ و میان تری بدور افکنند. خلق قبر مان الجزایر به پند و اندرز های این «انصاحان» یکاره گوش نداده، با اراده از سخ برهه مبارزه مسلحانه ملی ضد استعماری کام نمادند. بدین ترتیب میا زرات ملی طبقه متوسط رهبری مبارزه مسلحانه ملی ضد استعماری را بکف گرفتند و به همین علت از اعتماد بعضی خلق الجزایر برخوردار شدند، تا آنکه پس از هفت سال و نیم مبارزه مسلحانه، امپریالیزم فرا نمه بزانو در آمده و الجزایر آزاد را بر سمیت شناخت.

پس از بیرون راندن استعمارگران، دولت های ملی بر رهبری طبقه متوسط درین کشورها تشکیل شد. طبقه متوسط حاکم درین ممالک از آنجا نیکه در آتش پیکارهای مسلحانه ضد استعماری رشد یافته بودند، پس از بقدرت رسیدن نیز خاصیت ضد استعماری خود را بدرجات کوناگون حفظ نمودند، ولی از سوی دیگر بعزت آنکه ما عیت و سر شمت طبقاتی آنها رنجبری نیست مخصوصاً نتوانستند میا زرات ضد امپریالیستی خارجی خود را

بناچار از شد ملالی در داخل کشور به نحو پیکار تلفیق بخشند. بر دست و تزلزل آنها در بر خورد با ملالین واز میان در دانستن سیستم ملالی نوا بر این مطلب است. مثلاً اصلاحات از قبی که از سال ۱۹۶۱ تا ۱۹۶۳ در جمهوری عربی متحد صورت گرفت، ما نکتت زمین را به یکصد فدان (عس فدان لغری یا ۲۴ هکتار یا سه چسریب است) محدود ساخت. بخشی از زمین های مصادره شده بین فلاح ها (عسما بن بی زمین مصری) توزیع شد. و لسی بان شم این اصلاحات نتوانست در سیستم ملالی زمین تغییر اساسی ایجاد نماید. ملالین هنوز هم عس ترین تولید کننده قدم بوده و در سر غله در کنترل آنها است. سلاح ما نه قطعه گر چکی زمین در اختیار دارند اکثرها در زمین عسدا خانواده خود را برابر بنا پند تا چه رسد به آنکه کندی برای فر و رس در اختیار داشته باشند. فعال مایشانی فشو دال ها در رو سما باسر سختی داده دارد. بر ور و قتل و هسیران دعا قیس بدست فتودال ها اس عادی است بر اساس سنجش های که بعد از آمدن حسی با استفا ده از سد اسمان نیز چسپوریت متحد عربی نمیتواند بارضع و چود مالکیت اختیار چات غذایی خود را بر آورده سازد. در الجزایر ملی کردن زمین های که سابقاً در دست فرانسوی ها بود، و چو عسما ملایون هکتار زمین در اختیار دولت گذاشت که در آن بنا قریب یکصد و پنجاه هزار تار کر ذرا عتی مصروف کار بوده و بشورت فارم های دولتی در آورده شده اند. ولی اکثریت قاطع دما نان در مناطق کوهستانی جنوبی بسر می برند که بطور چسبوی آره ملیون هکتار زمین مزروعی را در بر می گیرد در اینجا ۲۳۰۰۰ زمین دار و چود دارد که عربک بطور متوسط یکصد هکتار (تقریباً ۶۰۰ چریب) زمین در اختیار دارند. آنها زمین خود را با نرخ سنگین (تا چار پنجم محصول) بدسفا نان فقیر اجازه می دهند. در آخر سال ۱۹۶۵ حکومت الجزایر لایحه اصلاحات ارضی جدیدی اعلام کرد که با یستی در سال ۱۹۶۶ اجرا میشد، و لسی هنوز جزئیات این لایحه معلوم نیست. در عراق ۱۵ فیصد زمین داران، ۳۳ میلیون «دونوم» (یک دونوم ۲۵۰ هکتار است) زمین دارند. تا ابریل سال ۱۹۶۵، محض ۵۵۰۰ هکتار یا کسی بیش از یک ششم زمین های که قانون اصلاحات ارضی سال ۱۹۵۸ (سال که انقلاب خلق عراق به پیروزی رسیده) پیش بینی میکرد، بین حاکمان تقسیم شده بود. دولت عراق در زیر فشار

فتودال ها حعب نسبتی میلند. مثلاً مدت بر دست سرانعت رهسین عتی مصادره شده ملالین سابقی از ۱۰ سال به ۲۰ سال امتیل یافته و سود سالیانه که دما نان از بابت قیمت اهلاک به زمین بر دارنده از ۵۰۰ فیصد به ۱۰ فیصد انرا یس یافته است. در سوریه با وجود تطبیق یک لایحه اصلاحات ارضی، هم اکنون ملالین بزرگ و سرمن ایام باوری صاحب اراضی وسیع و زمین های بزرگ در مناطق شمال کشور وجود است.

در کشورهای اسلامی اصلاحات ارضی در سه این کشورها نه شقی است و نه بهنیکس. طبقه ملالین نه تنها از بیرون نشسته اند، بلکه بهسری ان، این اصلاحات نیم بند در غیر نانی، ربا خواری و کسرس اسواص خصصت، روابط بورژوازی را در زمین دولت بخشیدند. بدین ترتیب زمین های ملی در دست ملالین شد. در عراق تمام زمین های ملی در دست بورژوازی و زمین های ملی در دست دولت بود. در الجزایر زمین های ملی در دست دولت بود. در الجزایر زمین های ملی در دست دولت بود. در الجزایر زمین های ملی در دست دولت بود.

بناچار از شد ملالی در داخل کشور به نحو پیکار تلفیق بخشند. بر دست و تزلزل آنها در بر خورد با ملالین واز میان در دانستن سیستم ملالی نوا بر این مطلب است. مثلاً اصلاحات از قبی که از سال ۱۹۶۱ تا ۱۹۶۳ در جمهوری عربی متحد صورت گرفت، ما نکتت زمین را به یکصد فدان (عس فدان لغری یا ۲۴ هکتار یا سه چسریب است) محدود ساخت. بخشی از زمین های مصادره شده بین فلاح ها (عسما بن بی زمین مصری) توزیع شد. و لسی بان شم این اصلاحات نتوانست در سیستم ملالی زمین تغییر اساسی ایجاد نماید. ملالین هنوز هم عس ترین تولید کننده قدم بوده و در سر غله در کنترل آنها است. سلاح ما نه قطعه گر چکی زمین در اختیار دارند اکثرها در زمین عسدا خانواده خود را برابر بنا پند تا چه رسد به آنکه کندی برای فر و رس در اختیار داشته باشند. فعال مایشانی فشو دال ها در رو سما باسر سختی داده دارد. بر ور و قتل و هسیران دعا قیس بدست فتودال ها اس عادی است بر اساس سنجش های که بعد از آمدن حسی با استفا ده از سد اسمان نیز چسپوریت متحد عربی نمیتواند بارضع و چود مالکیت اختیار چات غذایی خود را بر آورده سازد. در الجزایر ملی کردن زمین های که سابقاً در دست فرانسوی ها بود، و چو عسما ملایون هکتار زمین در اختیار دولت گذاشت که در آن بنا قریب یکصد و پنجاه هزار تار کر ذرا عتی مصروف کار بوده و بشورت فارم های دولتی در آورده شده اند. ولی اکثریت قاطع دما نان در مناطق کوهستانی جنوبی بسر می برند که بطور چسبوی آره ملیون هکتار زمین مزروعی را در بر می گیرد در اینجا ۲۳۰۰۰ زمین دار و چود دارد که عربک بطور متوسط یکصد هکتار (تقریباً ۶۰۰ چریب) زمین در اختیار دارند. آنها زمین خود را با نرخ سنگین (تا چار پنجم محصول) بدسفا نان فقیر اجازه می دهند. در آخر سال ۱۹۶۵ حکومت الجزایر لایحه اصلاحات ارضی جدیدی اعلام کرد که با یستی در سال ۱۹۶۶ اجرا میشد، و لسی هنوز جزئیات این لایحه معلوم نیست. در عراق ۱۵ فیصد زمین داران، ۳۳ میلیون «دونوم» (یک دونوم ۲۵۰ هکتار است) زمین دارند. تا ابریل سال ۱۹۶۵، محض ۵۵۰۰ هکتار یا کسی بیش از یک ششم زمین های که قانون اصلاحات ارضی سال ۱۹۵۸ (سال که انقلاب خلق عراق به پیروزی رسیده) پیش بینی میکرد، بین حاکمان تقسیم شده بود. دولت عراق در زیر فشار

مردمان است تا وقتی نیروهای پیشرو و مترقی که تعلق به این انقلاب به نوده ها و دینگر کوئی بیستای محیط نماندند آلوده از تور و کندیها دارند. با نوده های و سطح مردم نیامیزند و سده نشوند. صفوف مختلف و محکم و فشرده و غیر قابل نفوذ برای عناصر تا باپ و پر اذیت و نظایر آن دست پروردگان انسان که از مردم بیگانه خیا نس به توده تقدیمی کنند و اندیشه زهر آکین و سوسوم آلوده را با غشیل فرو شمی و خود نما بی نشموز می نما یند. تشکیل نه عده امید به پیروزی و ایمان با هدف مشعل فروزان و رهنمای راهشان نیاید. و در پی تو آن خمی و ریج کوهپایه ها و دشت های گشوده را که به آن مواجه میشوند نشانند. اما نیل به راه یبر و رنجبران از قید اسارت و مشکلات است اما سوال اساسی در اینجا است که در جریان این جنبش با کدام نیروهای سیاسی نعت کدام شرایط و تاجه حادی می توان متحد شد؟ آیا با هر مارکس-لوش خط و خیال است و فشی دنی و نظیر مردم و وطن پرستی اش را بلند می کنند؟ یا با کسانیکه در عمل صدیق و وفادار بودن خود را به اثبات رسان نیده و عین ساندند. تاریخ روشی و شی شانرا تا نید نوده و اندیشه پیشرو و اصول راسخین رهنمای در شان و وظیفه یون میا و زرات پیگیران انقلابی شان است؟

نقض و حادث در پسر پرده فریادهای وحدت طلبی

از: ایوب میرود. کسانیکه با نوره های بی در پی اتحاد گوی خود را می درند و در عمل وحدت عنا صر مترقی و نوده را نقض میکنند نفر قه افکنان اند.

«در تعیین بطور تغییر نا پذیر سیاست نفر قه افکنی بین رنجبران را اعمال داشته به کین توانه ترین شیوه ها یعنی تطمیع پرورش و تربیت نو گران خود در صفوف آنان متوسل میشود. تجسد یه نظر طلبان و سازشکاران همان نو گران ارتجاع هستند. سعی و کوشش آنها بطارح اتحاد رنجبران جهت مبارزه علیه ارتجاع، امیر یا لیسم و مدافعین استعمار یون نیست بلکه سعی و کوشش آنها بمنظور همکاری رنجبران با ارتجاع است. تجدید نظر طلبان و سازشکاران کسانیکه فریاد همبستگی شان فضا را آلوده ساخت شری ترین نفر قه افکنان اند.»

«در جریان جنبش پیشرو پیدا ییش سازشکارهای رنگارنگ تا گزیر است فعلا لیت های نفر قه افکنانه سازشکاران علیه عنا صر مترقی اجتناب نا پذیر است. و این طبعاً مو جب آن می گردد که مبارزه پیشروان علیه سازشکاران و نفر قه افکنان بعمل آید.»

«ارتجاع، امیر یا لیسم و مدافعین استعمار نو بین زمین نخواهد رفت مگر آنکه آنها سر نگون سا زند به سازشکاران که تو سط ایشان پرورش یافته اند نیز خود بخود از بین نخواهند رفت مگر که آنها را منهدم سازند و از بین برند. بدین جهت نه تنها با این عنا صر تا استوار و منبسط متحد نشد بلکه باید مبارزه سیاسی امان را علیه سازشکاران بعمل آورد.»

درست بخاطر اتحاد تو ده هاست که باید قطع بیوند با سازشکاران بعمل آمده و ایشان و ایند یا لوزی و مشی منحن شان را باید رسوا و انشا ساخت اتحاد مبارزه با حتی محسوب میشود. هر کس که برنامه و خط مشی مغایر با اراده انقلابی و منافع اصلی رنجبران و جهتگشان را اعمال میدارد نفر قه افکن بشمار بین المللی.

خواهد بخشیا. پیشروای کبیر چنین مترقی گفت: «وحدت» از بزرگ و شام و کبیر است! امر طبقه رنجبر با وحدت عنا صر پیشرو نیاز دارد نه به وحدت آنان با دشمنان و تحریف کنندگان آن. و اما «بدین قطع بیوند با سازشکاری بدون تسریع تا آزوری شکست آن برای توده های مردم و تالیف ایده مترقی رانی توان انجام داد و تحقق ییز سستی واقعی بین رنجبران غیر ممکن خواهد بود.»

این گفتار با این که در حکم تیری است که بر دمان چشم سازشکاران می نشاند. پس نمی شود با هر سازشکاری که بلکه وظیفه امروز رو شنفسکاران ازین جهت سنگین و دشوار است که باید پایداری آگاه و زی د قیق بین دوستان و دشمنان دوست نمای خلق، میان آنچه اصول است و آنچه غیر اصول است ترسیم نما یند. و تا کمال بر روی توری پیشرو میایستیم، برای اینکه تنها این توری است که می تواند کایه عنا صر مترقی را متحد سازد.

اما ببینیم چه کسانی واقعا نفر قه افکنان و خاین به اتحاد نیرو های پیشرو اند ایشان چه خصوصیات می توانند داشته باشند؟ هر کس که علیه اندیشه پیشرو برخاسته از انداد میجوید و پاینده پیوستگی رنجبران را نخریب می نماید نفر قه افکن بشمار می آید. هر کسیکه خط نامی تجدید نظر طلبانه را مصرون دنبال می کند و جریان پیشرو رونده را به جریان رفورمیستی ارتجاعی تبدیل می کند نفر قه افکن محسوب میشود. هر کس که برنامه و خط مشی مغایر با اراده انقلابی و منافع اصلی رنجبران و جهتگشان را اعمال میدارد نفر قه افکن بشمار بین المللی.

اما به اینان باید گفت: سادورین راه دنیا نخواهد بود، زیرا آنچه کسان می خواهند، آزوری تمام رنجبران و شیخان برهان صدیق و وفادار آن است. از پشتیبانی او با بان صاحب دولت آن بر نوردار خواهد بود و زیرا همیشه و در هر جا جریان های سیاه و زنده مانع مردم از طریق پیرو مایه که فتح شان در سر کوب جنبش آزادی هاست و هر جا تپه دار خاری شده است. زیرا شما عرب سکه های دومی پیش نمیکنند که با انگشتان میلا کر اند آنها شکلی می گیرید و بساز ایران را تقسیم می یازیدم. دلخوش نیاید زیرا شما هم از پشتیبانی حقیقی توده مردم محروم مانده اید و دشمنان خلق یکجا دورزا که دان تاریخ که شایسته ترین بسا بگاه نان است سر قانون خواهند شد.

توده عینی گنا و راییه عمل پوشری می شنود زیرا دست یون و انگشتان خن و آزما ییش عمل است و پس.

کسانیکه کما قضا از زودمانند که حقوق خدمت کنندگان آنکه بر حقایق و استواری گفتار و کردار خود ایمان ژرف دارند، عقیده خلال نا پذیر به دگرگونی عمیق و جهشی اجتناب می دارند هرگز نمی خردند که تنها خراشند عاقله. زیرا مردم با تضاد و جدید آنها نماندند همیشه و در هر جا برین بازود بالاشد باز وجود صد ها جوانیکه از تجاع و سکیم از پیورش با دارن مختلفان در زمینه های اقتصادی سیاسی، ادبیا و ژیکه با روی کار میوند منبسط ترین نظرات لیبرالوده و رو سیده به سر راه شان گذاشته پس انیام دوستی واقعی خود را شناخته اند و توری پیشرو و ترقی در توده ها نفوذ میکند و در هر تو طلبی منبسط اصول عامی و توده ای به بارزه بر شد آنان قیام نموده اند؛ زیرا: هرگز لکه این تری تواند موجودیت خود شید را نفی کند پس از لحظه ای بر تو دستگیر خود شید بجه گیری

سیاهی راه رشد، غیر... نیستند، آنکه عمام است اقتصاد دولتی آن ها نیز اقتصاد دولتی بود و نانی یعنی سرمایه داری دولتی است و لو آنکه وام د مسنده آن مدافعین استعمار نوین باشند پیش کشیدن راه رشد غیر س ما ینداری یعنی پشتیبانی از پروردگاری دولتی در برابر رنجبران اینک و رها و بی رویانیدن خود بخود دی و آرام سو سبیلزم از وطن سر مایه داری است.

بنا بر آن، سکوت در باره ماهیت رهبری جنبش ضد استعماری کشور های عربی در گذشته، تا ویژه گرفتن نابی گیری بر خورد دولت های اینکشور ها با سیستم ملاکی و ترفیض و پشتیبانی از اقتصاد س ما ینداری دولتی زیر پرده به اصطلاح ایجاد و پایه های مادی و فنی حثف غانی اینست. سکیمه بر خورد مطرح سازندگان راه رشد غیر س ما یه داری پارشد. س ما یه داری دولتی در کشورهای عربی، بنیاد گذا ران عام پیشرو در توصیف سو سیا لیزم پروردگاری می کنند که شعار این سو سیا لیزم اینست:

سر ما یه داری، سر ما یه داری است بسود طبقه کارا اکتون مدافعین استعمار نوین می گو یند: ما سر مایه داری دولتی میسازیم بسود طبقه کارگر!

زمون او سنی اقتصاد چاه ولتی

سکتور به نامه یادیری

دائول عوامل ددی سبب گر خیدلی چه: کینی را بنکنه شی له یوی خوا ورش دی اوله بلی خوا دتولیدانو کما دچکوالی سبب شوی او ونخنو موجب گر خیدلی دادی زمون او سنی

پنده کلن پلان تک کی دغارجی سرمایه گذا گذاری

به سکتور معارف دریک فضای آرام بپردازند. جای دارد برسیم که این متخصصین معائن او صنایع

در ص ۴

کارگران قهر مان فابریکه جنگلکس پس از چند روز اعتصاب (بروز پنجشنبه) (آورد) دست به مظاهرات زدند. آنان با وجود دشواریها و اخلاص هایی که از جانب کارفرمایان و دستگدار... به بر سر راه آنان قرار داده می شد، عطف و زاندارم و پولیس را از هم شکستند و بسوی شهر حرکت کردند. خبر نکار ما گزارش میدهد. در جریان این حادثه چند تن از کارگران زخم برداشتند. روشنفکران مترقی که آمیختن باتوده هارایکانه مقیاس و معیار ارزیابی شخصیت هر روشنفکر میدانند نیز با آنان پیوستند. شعارها و سخنرانی های آنشزای رنجبران که نشاندهنده رنجهای روان سوز و بی پایان آنانست در افضای طبقه حاکمه و بر نامه های اصلاحی دروغین آن و شناسانیدن سیمای دشمنان واقعی و دوستان حقیقی خلق بر اذهان زخمکشان تاثیر گرانقدری به جا گذاشته است. این تظاهرات عظیم و شکوهمند تا حوالی ساعت شش آنروز ادامه داشت کارگران آگاه و پیشرو فابریکه جنگلکس در اثر این تظاهرات خویش بیروزی هایی بدست آورده اند ولی تامین این مطالبات تنها بخش ناچیزی از خواسته های رنجبران است. خاطر آکنده از رنج و خشم آنان تارسیدن به بیروزی فرجای این آرا مشی نخواهد پذیرفت و از بیسکار دست نخواهند کشید.

همزبانی ملیت آمیز یا نفی مبارزات آزادیبخش خلقها علیه امپریالیسم و استعمار

تعمیل جنگهای اجباری و خانمان سوز جهانی دول امپریالیستی بالای ملل محروم و مستعمره، رنج بر داری و محروم گران و عذاب سیاه از خون و عرق محنت کسان و چپاول بردهای هندک - طبیعی (براد خام و نیم خام) از سر زمین های آسیا، افریقا و آمریکای لاتین یعنی مراکز گره نژاد های جهانی، خلقهای مستکبر این نواحی را بر آن واداشت تا صنف عظیمی را در برابر امپریالیسم این دشمن درجه یک خلقها بشکند و پیش از آندهای خود را وسیع و تیر و مندتر سازند.

پس از ختم جنگ جهانی دوم، بارش ظفر سوز و نهشت ریه بخش خلقها با تضاد های درونی دول امپریالیستی کاخ پوشیده استعمار را بلرز در آورد و سرانجام استعمار را در بسیاری از کشورها سرنگون و در برخی دیگر از کشورها در معرض اشغال و انهدام قرار داد.

استعمار گران با وجود نارضایتی زیاد بپیوسته فاجعه فاش شد. آتش بر دامنه آزادیخواهی را خاموش سازند. آنگون مدافعین استعمار نوین نقاب خلق پرستی را بر رخ کشیدند و در نظر (بخاطر رنج های بیگران خلق) در ساحة عدل علی اثر غم منافع طبیعی اربابان خود اندیشه های زهر آلود و ناپسند سرمایه داری را در صفت رنجبران و طبیعت محروم پختن کرده و میخواستند با شمار دادن باصطلاح (معمول) مساومت آمیز و استراغری صلح، مبارزات آشنی تا پذیر خلقها را با دشمنان طبقاتی شان منگوب سازند. بد نظر اینها بیروزی ذکر کوپایی چهستی بطور عمده نادر توجهات مبارزات و دگرگونی نوده می بدست می آید و نه اینکه خود نوده های مردم خرد را آزاد میسازند، بلکه خلقهای مستعمره در جریان عمزیستی مساومت آمیز منتظر آن روزی باشند که عمال سیاه پسر رده آمده آزادی دیموکرانیک واقعی را برضای خود بخلق قاپل شوند و از دولت های خود حافظ منافع یک طبقه زانی برای سر کرب طبقه دیگر است و میخواستند که «بقاهات سیاسی و ارباب بر سر اقتدار کشور

سر نوشت یک پیر مرد کارگر خیر نکار ما از پوهنتون کابل گزارش میدهد که چندی پیش گروهی از عناصر معلوم الحال و وابسته بدستگاه حاکمه در ساحة پوهنتون میخواستند مینتک ارتجاعی علیه شعله جاوید بر پا کنند ولی محصلان آگاه و با بصیرت پوهنتون نکه داشتند و توطئه ریزه خواران خزان دولت به بیروزی برسد و به افسانه امانت آنان و دار و دسته آنان پرداختند و با ارائه شواهد و براین منطقی نقاب از سیاهی این دوستان دروغین خلع برداشتند.

همچنان چند روز پیش یکی از فروشندهگان شعله جاوید در ساحة پوهنتون مورد ضرب و شتم یکی از عناصر معلوم الحال یاد شده قرار گرفته است.

شعله جاوید ازین نالاسپای مدهو جان و حرکات ضد انسانی عراسی ندارد و با ایمان خال ناپذیر و اراده آعین را می راکه در پیش رودارد خواهد پیورد.

به جریده شعله جاوید از آنجائیکه جریده شعله جاوید راه مبارزه پیکر زرها ببخش توده های مستکبر افغانستان را مورد تحلیل و تجزیه علمی قرار میدهد، و برای بلند بردن سطح آگاهی سیاسی اجتماعی و رهایی از ظلم و ستم امپریالیسم، رنجبران و مدافعین استعمار نوین بصورت علمی و عملی برای مردم (زن و مرد) افغانستان خدمت میکند و من هم به حیث یکی از رنجبران کانظم و استبداد برای رهایی خود و هم وطنان خود را می که شعله جاوید نشان داده است در پیش گیرم بیروزی خواهیم شد، برای این منظور شعله جاوید را مطالعه می کنم. جریده شعله جاوید فنانا پذیر است.

خواهر همزب شما (آذر چهر) شعله جاوید:

دو شیژه محترمه عقیده شما قابل ستایش است. اینکه زحمت یک ماه پیاده روی (خانه و مکتب) را بخود گرفته و پول کرایه و دیگر مصارف خود را جمع کرده و به شعله جاوید طور اعانه پرداخته اید عملی است فداکارانه و قابل تعجبید.

یک تذکر:

شعله جاوید از یک عده متعلمین مبارز و پیشرو لیسه حبیبیه که سر لونه پشتیبانی خود را از جریده خود نشان شعله جاوید، کتب ابراز داشته اند تشکر می نماید.

پس از ختم جنگ جهانی دوم، بارش ظفر سوز و نهشت ریه بخش خلقها با تضاد های درونی دول امپریالیستی کاخ پوشیده استعمار را بلرز در آورد و سرانجام استعمار را در بسیاری از کشورها سرنگون و در برخی دیگر از کشورها در معرض اشغال و انهدام قرار داد.

استعمار گران با وجود نارضایتی زیاد بپیوسته فاجعه فاش شد. آتش بر دامنه آزادیخواهی را خاموش سازند. آنگون مدافعین استعمار نوین نقاب خلق پرستی را بر رخ کشیدند و در نظر (بخاطر رنج های بیگران خلق) در ساحة عدل علی اثر غم منافع طبیعی اربابان خود اندیشه های زهر آلود و ناپسند سرمایه داری را در صفت رنجبران و طبیعت محروم پختن کرده و میخواستند با شمار دادن باصطلاح (معمول) مساومت آمیز و استراغری صلح، مبارزات آشنی تا پذیر خلقها را با دشمنان طبقاتی شان منگوب سازند. بد نظر اینها بیروزی ذکر کوپایی چهستی بطور عمده نادر توجهات مبارزات و دگرگونی نوده می بدست می آید و نه اینکه خود نوده های مردم خرد را آزاد میسازند، بلکه خلقهای مستعمره در جریان عمزیستی مساومت آمیز منتظر آن روزی باشند که عمال سیاه پسر رده آمده آزادی دیموکرانیک واقعی را برضای خود بخلق قاپل شوند و از دولت های خود حافظ منافع یک طبقه زانی برای سر کرب طبقه دیگر است و میخواستند که «بقاهات سیاسی و ارباب بر سر اقتدار کشور

به جریده شعله جاوید : از آنجائیکه جریده شعله جاوید راه مبارزه پیکر زرها ببخش توده های مستکبر افغانستان را مورد تحلیل و تجزیه علمی قرار میدهد، و برای بلند بردن سطح آگاهی سیاسی اجتماعی و رهایی از ظلم و ستم امپریالیسم، رنجبران و مدافعین استعمار نوین بصورت علمی و عملی برای مردم (زن و مرد) افغانستان خدمت میکند و من هم به حیث یکی از رنجبران کانظم و استبداد برای رهایی خود و هم وطنان خود را می که شعله جاوید نشان داده است در پیش گیرم بیروزی خواهیم شد، برای این منظور شعله جاوید را مطالعه می کنم. جریده شعله جاوید فنانا پذیر است.

خواهر همزب شما (آذر چهر) شعله جاوید:

دو شیژه محترمه عقیده شما قابل ستایش است. اینکه زحمت یک ماه پیاده روی (خانه و مکتب) را بخود گرفته و پول کرایه و دیگر مصارف خود را جمع کرده و به شعله جاوید طور اعانه پرداخته اید عملی است فداکارانه و قابل تعجبید.

یک تذکر:

شعله جاوید از یک عده متعلمین مبارز و پیشرو لیسه حبیبیه که سر لونه پشتیبانی خود را از جریده خود نشان شعله جاوید، کتب ابراز داشته اند تشکر می نماید.

حق الاشتراک
۱۰۰ افغانی
۱۱۰ »
۱۰ دالر

حق الاشتراک
۱۰۰ افغانی
۱۱۰ »
۱۰ دالر